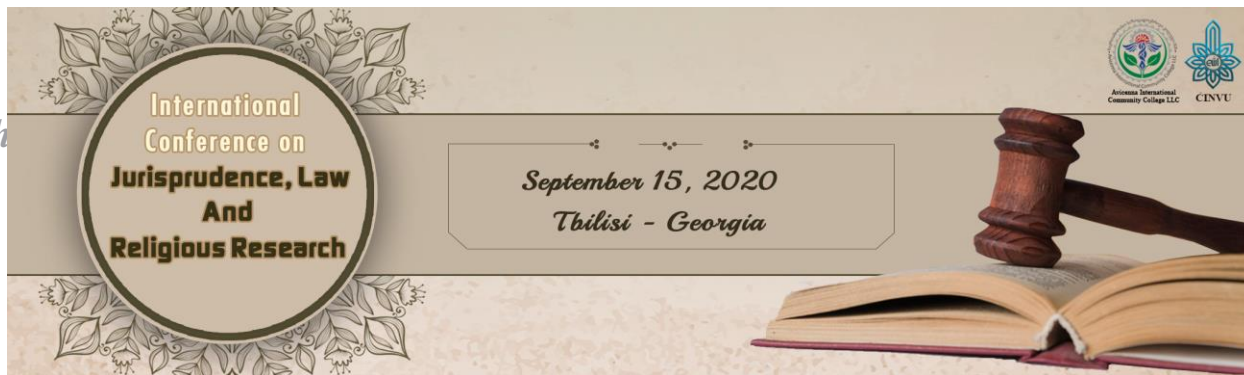


چگونگی رفتار دولت اسلامی در مواجهه با قشر کارگزاران و کارمندان برگرفته از آیات و روایات امیر حسین خورشیدی اطهر

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران

چکیده:

یکی از اساسی ترین مسائل موجود در حکمرانی، نحوه رفتار دولت با اقشار مختلف مردم است. این مقاله با تقسیم بندی اقشار مختلف مردم به سه دسته مختلف بر اساس نامه امام علی(ع) به جناب مالک اشتر سعی کرده است نحوه رفتار دولت با کارگزاران و کارمندان خویش را تبیین و اصول اساسی آن را بیان کند. در این مقاله ضمن بیان اصول همگانی رفتار دولت، اصول اختصاصی آن در برخورد با کارمندان و کارگزاران خویش را بیان نموده است و بر اساس آیات و روایات مختلف به استحصاء این اصول پرداخته است. در پایان این مقاله ضمن بیان ۳ اصول همگانی به بیان هشت اصول اختصاصی این قشر پرداخته شده است و نهایتاً به این مسئله پرداخته شده است که اگر بین چند اصل مختلف تراحمی بوجود بیاید چه رفتاری باید صورت پذیرد که نهایتاً حل این مسئله را به ولی فقیه جامعه ارجاع می دهیم. **کلید واژه:** دولت، کارمندان و کارگزاران، اصول اساسی



مقدمه:

یکی از اصلی ترین دغدغه های پژوهشگران علوم اقتصادی، بررسی چرایی و چگونگی مداخله و مشارکت دولت در اقتصاد است، این چالش مهم که ذهن پژوهشگران از مکاتب مختلف را نیز درگیر نموده است، به حدی مورد اهمیت است که می توان گفت تفاوت اصلی مکاتب مختلف اقتصادی به این مسئله باز می گردد. (دادگر، ۱۳۸۰)

نظام اقتصادی اسلام یک نظامی است که دارای مجموعه ای از اصول، فلسفه و روش تحلیل می باشد که زیربنای چارچوب تنظیم فعالیت های اقتصادی را تعیین کرده اند (منذر قحف، ۱۳۸۴). از این رو باید نقش نهادهای این نظام مشخص باشد تا بتواند به تنظیم اصول و چارچوب ها و نیز به منصف ظهور رساندن آنها تلاش کند. در همین زمینه دولت که به عنوان کارگزار اصلی دولت اسلامی در جامعه محسوب می شود، پایه و برنامه ریز اصلی همه فعالیت های مربوط به جامعه و اجتماع می باشد. طبق بیان امام علی (ع) بزرگترین حقی که خداوند قرار داده حق والی بر مردم و مردم بر والی است (نهج البلاغه).

در این میان کامندان که کارگزاران اصلی دولت می باشند و زبان سخنگوی او و گوش شنوای او در مواجهه با مردم هستند نیز حقوقی دارند که دولت باید آن را رعایت کند. حقوقی که رعایت آن موجب اعتلا و قوام دولت ها می گردد. در این مقاله ضمن اشاره ای مختصر به حقوق همگانی که دولت باید رعایت کند، به آن دسته از حقوقی که خاصا برای کارمندان هست پرداخته ایم و ویژگی های آن را بیان نموده ایم. در پایان نیز به مسئله تراحم میان این اصول پرداخته ایم و راه حل آن را بررسی کرده ایم.

دولت

مفهوم دولت آنقدر پیچیده و دشوار است که می توان اذعان داشت این مفهوم و حتی بررسی ماهیت آن هم سهل است و هم ممتنع (صدیق سروستانی، ۱۳۸۴). لذا اغلب اندیشمندان که به بررسی این نهاد و شیوه های دخالت و مشارکت این نهاد در بخش های اجتماعی پرداخته اند، ابتدا به تعریف این واژه از نگاه مکتب خود اقدام کرده اند.

در تقسیم بندی های مرسوم دولت را به اشکال مختلفی تقسیم می کنند: گاهی از حیث قدرت قلمرو دخالت در اقتصاد آن را به سه دسته کلاسیک، کینزی و مارکسیستی تقسیم می کنند و گاهی هم بر حسب جانشینی و مکملی به چهار دسته بی تفاوت، متمرکز، برنامه ریز متمرکز و حداقل کلاسیکی تقسیم بندی می کنند. (فاطمی ابهری، ۱۳۸۲) و در نهایت با توجه به این تقسیم بندی ها به تعریف این واژه پرداخته اند.

نظام اقتصادی اسلام

نظام اقتصادی به یک مجموعه ی هماهنگی از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آنها، برخی وسائل فنی سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه های برتر، به منظور برقراری تعادل اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است،



می‌گویند (لاژوژی). که به تعبیر دیگر نظام اقتصادی، عبارت است از مجموعه مرتبط و منظم عناصری که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرفی که برای کسب بیش‌ترین موفقیت فعالیت می‌کنند (نمازی، ۱۳۷۴). در این مقاله مقصود از نظام اقتصادی اسلام نظر شهید صدر می‌باشد که نظام اقتصاد اسلامی را مذهب اقتصادی می‌داند و در تعریف مذهب اقتصادی بیان می‌دارند که مذهب اقتصادی، مشتمل بر قواعد اساسی است که در زندگی اقتصادی، به دیدگاه عدالت اجتماعی مرتبط می‌شود.

پیشینه تحقیق

در طبقه بندی‌های وظایف دولت برخی با این مسئله که اهداف و وظایف دولت در اسلام چیست به بررسی این مفهوم به طور کلی پرداخته اند و این سؤال را از دید کلان‌نگر پاسخ داده اند (عظیمی شوشتری ۱۳۸۸) (ا یوسفی شیخرباط ۱۳۹۴) اما برخی دیگر جزئی‌تر وارد این مسئله شده اند وظایف دولت در هر بخش از بخش‌های یک اجتماع را مجزا بررسی کرده اند به همین ترتیب عده‌ای از پژوهشگران وظایف دولت اسلامی را در بخش اقتصاد بررسی کرده اند و نحوه ورود دولت به این عرصه را مورد تحقیق قرار داده اند (مالک ۱۳۸۲) (ناصر جهانیان، ۱۳۸۰) (موسویان، ۱۳۸۲) (رفیعی آتانی ۱۳۸۶) اما برخی دیگر به بررسی جزئی‌تر مسئولیت‌های دولت اسلامی در زیربخش‌هایی از اقتصاد و دیگر بخش‌ها پرداخته اند (لشکری و همکاران ۱۳۹۰). (جهانیان، ۱۳۸۰). (ندری، ۱۳۸۸).

این مقاله قصد دارد تا براساس نامه امام علی (ع) به مالک اشتر نخعی (نامه ۵۳) دولت را از حیث وظایف به سه دسته تقسیم کند، چرا که امام علی در این نامه می‌فرماید: «ای مالک بدان! مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست (نهج البلاغه) کاملاً مشخص است که اگر اصلاح این قشرها برعهده مالک (به عنوان کارگزار) نبود، احتیاجی به بیان کردن و شناساندن این گروه‌ها نیز نمی‌بود. اما آنچه این مقاله به دنبال آن است این است که چارچوب رفتار دولت با کارمندان خویش چگونه باید باشد و نیز در صورت بروز تعارض و تزاخم میان اصول، اولویت‌بندی اصول دخالت در اقتصاد چگونه می‌باشد. ۱- قشر پائین: (الطَبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ دَوَى الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ) دولت وظیفه سامان‌بخشیدن و کمک به قشر پائین جامعه (یعنی نیازمندان و مستمندان) را دارد. ۲- کارگزاران و کارمندان در این نامه از این دسته به سه عنوان یاد شده است: - قضاة دادگستر (قُضَاةُ الْعَدْلِ). - کارگزاران عدل و نظم اجتماعی (جُنُودُ اللَّهِ) (عَمَالُ الْأَنْصَافِ وَالرَّقِيقِ) - نویسندگان (كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ) ۳- تجار و تولیدکنندگان: (التُّجَّارُ وَأَهْلُ الصَّنَاعَاتِ)

وظیفه همگانی دولت:



از آنجائی که دولت زعیم همه مردم است^۱ لذا وظایفی نسبت به همه مردم دارد که باید آن‌ها را رعایت کند. (مصباح یزدی) این اصول در واقع اصول کلی برنامه‌های دولت می‌باشد و سیر کلی برنامه‌های دیگر به این اصول اولیه باز می‌گردد از همین رو می‌توان گفت که مالیات دهندگان از آنجایی که همه مردم هستند (اعم از کارمند و تاجر و اهل جزیه) نیز در این قسمت جای می‌گیرند (مِنْهَا أَهْلُ الْجِزْيَةِ وَالْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ).

اولین اصل اساسی ای که دولت باید در مواجهه با همگان لحاظ کند رعایت کرامت ذاتی همه انسان‌هاست. دولت هم به عنوان نهادی که همواره با همه مردم در ارتباط است و تصمیماتش روی همه مردم اثر می‌گذارد ناگزیر است در همه تصمیمات خود اعم از برنامه ریزی اقتصادی این اصل را در نظر بگیرد.

اصل دوم تعلیم و تربیت صحیح می‌باشد که «مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگی به معنای جامع، جهالت زدایی و ضلالت رویی است؛ تا با برطرف شدن جهل و نادانی، علم، کتاب و حکمت جایگزین گردد و با برطرف شدن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی، تزکیه و تهذیب روح جانشین شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

اصل سوم و آخر رعایت عدالت اجتماعی است که عدالت اجتماعی در اینجا به این معنی است که برابری در استفاده از مواهب اجتماعی برای هریک از افراد جامعه در نظر گرفته شود. (نهج البلاغه)

اصول اختصاصی رفتار دولت با کارگزاران و کارمندان

همانطور که گفته شد برای برنامه ریزی اقتصادی علاوه بر رعایت کردن اصول کلی و همگانی باید اصولی نیز مجزا برای برخی قشرهای خاص تنظیم گردد. در این مقاله فقط اصول اختصاصی مربوط به قشر تولید کارمندان را بیان می‌کنیم چرا که دولت موظف است که نسبت به اوضاع زیر دستان خود آگاه باشد و زندگی آنان تامین کند. بر این اساس رویکرد اصلی این مقاله که برگرفته از تقسیم بندی موجود در نامه امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر نخعی می‌باشد که در آن نامه کارگزاران و کارمندان را در سه دسته نام میبرد: ۱- قضات دادگستر (قُضَاةُ الْعَدْلِ). ۲- کارگزاران عدل و نظم اجتماعی (جُنُودُ اللَّهِ) (عَمَّالُ الْإِنصَافِ وَالرِّفْقِ) ۳- نویسندگان (كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ).

در این قسمت به ویژگی‌ها و سفارشات (اصولی) که ائمه در برخورد با کارگزاران توصیه کرده اند می‌پردازیم و در انتها به این مسئله پاسخ می‌دهیم که در تراحمات موجود در بین این اصول چه اقدامی باید انجام شود.

۱- تعیین دستمزد قبل از شروع کار

^۱ با همه دوست و مهربان باش... زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش. (نهج البلاغه / ترجمه دشتی؛ ص ۵۶۷)



یکی از آدابی که دولت باید در قبال کارمندان رعایت کند، تعیین دستمزد یا اجرت قبل از شروع به کار است. سلیمان جعفری می گوید: «به همراه امام رضا علیه السلام وارد منزلشان شدم، حضرت دیدند غلامانشان مشغول گلکاری هستند و کارگر سیاه چهره‌ای با آنها مشغول کار است. حضرت پرسیدند: «این شخص کیست؟» غلامان گفتند: «او را آورده‌ایم تا در انجام این کار به ما کمک کند.» حضرت فرمود: «آیا مزد او را تعیین کرده‌اید؟» گفتند: «نه، ما هر چه به او بدهیم، راضی است.» حضرت با حالتی خشمگین فرمود: «آخر من چندین بار آنها را از چنین کاری منع کرده‌ام که به هیچ کس کاری ندهند، مگر اینکه ابتدا مزد و اجرت او را تعیین کنند. ای سلیمان! بدان اگر کارگری برای تو کاری کرد بدون تعیین اجرت، غالباً چنین است که اگر سه برابر اجرتش را هم به او بدهی باز گمان می کند کم داده‌ای، اما اگر مزد او را تعیین کردی، اگر همان مقدار هم بدهی از تو سپاسگزار است و اگر کمی بیشتر از آن بدهی، می فهمد به او زیادی هم داده‌ای.» (بحار الانوار)

۲. فروتنی و نرم‌خویی با کارگران و زیردستان

رعایت تواضع و نرم‌خویی در قبال زیردستان و کارمندان از توصیه های اکید ائمه است. امیرالمؤمنین (ع) در اهمیت این خصلت نیکو فرمودند: «شریف‌ترین اخلاق، تواضع، بردباری و نرم‌خویی است»^۲. (عیون الحکم) یکی از اصحاب امام رضا (ع) می گوید در سفر خراسان بودیم و غلامان او از سیاه و غیر سیاه آمدند و بر سر سفره نشستند. به حضرت عرض کردم: برای شما سفره‌ای جداگانه می‌اندازیم. حضرت فرمود: «ساکت شو! پروردگار ما یکی، پدران ما یکی، مادران ما یکی، پاداش هم در برابر عمل دریافت می‌کنیم»^۳.

یا حتی در روایتی دیگر حضرت ابوذر از قول پیامبر بزرگوار اسلام چنین می فرمایند: «قال أبوذر: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ: اخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ آيْدِيكُمْ، فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيَطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيَكْسِهْ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يَكْلَفْهُ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنَّ كَلْفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيَعْنَهُ» (مستدرک الوسائل)^۴

نوح بن شعیب از خادم امام رضا (علیه السلام) به نام نادر می گوید: امام رضا (علیه السلام) خیلی متواضعانه با ما برخورد می کرد و بطوریکه حتی می فرمود: «اگر من در حال غذا خوردن نزد شما آمدم، تا غذا تمام نشده از جای خود حرکت نکنید»^۵ (بحار الانوار)

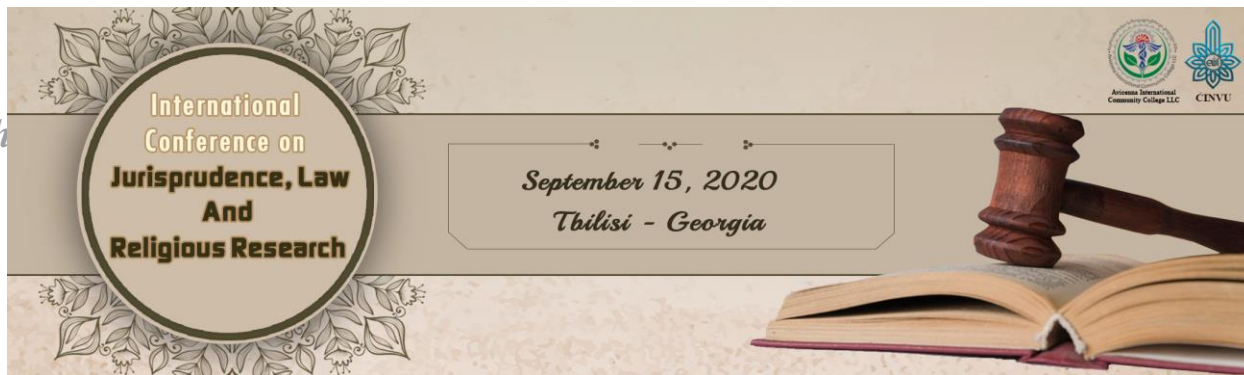
۳. محبت همراه با قاطعیت

^۲؛ أَشْرَفُ الْحَلَايقِ التَّوَاضُعُ وَ الْحِلْمُ وَ لِينُ الْجَانِبِ

^۳ منه؛ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَاجِدٌ، وَ الْأُمُّ وَاجِدَةٌ، وَ الْأَبُّ وَاجِدٌ، وَ الْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ

^۴ خداوند بعضی از برادران شما را زیر دست شما قرار داده هر کس برادر و هم نوحش را زیر دست دارد باید از آنچه خود می‌خورد به او بخوراند، و از آنچه می‌پوشد به او هم بپوشاند و هیچ وقت کاری که خارج از قدرت اوست به او نسپارد و اگر کار دشواری را به او سپرد او را کمک کند.

^۵ أَنْ قُمْتُ عَلَى زُؤُوسِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ فَلَا تَقُومُوا حَتَّى تَقْرُؤُوا



ابوحفصه گوید: امام صادق (علیه السلام) غلامش را پی حاجتی فرستاد و او دیر کرد. امام به دنبال وی رفت و دید در جایی خوابیده است. کنارش نشست و به صورتش باد زد تا بیدار شد. به او فرمود: «ای غلام! این چه کاری است؟ شب و روز می خوابی! شب بخواب و روز به کارها برس^۶». (اصول کافی)

۴. گذشت از لغزش

در سیره امام سجاد (علیه السلام) آمده است که غلامش مرتکب خطایی شد و آن اشتباه به مرگ یکی از فرزندان آن حضرت منجر گردید. حضرت به جای آن که او را کیفر دهد، او را در راه خدا آزاد کرد. ماجرا این بود که تعدادی مهمان در خانه امام سجاد (علیه السلام) حضور داشتند. خادم آن حضرت عجله و بی احتیاطی کرد و ظرف غذایی که در تنور بود، بر سر کودک امام ریخت و آن بچه در اثر سوختگی از دنیا رفت. غلام مضطرب و نگران شد. امام به او فرمود: «تو آزاد هستی، زیرا تو تقصیری نداشتی و عمدی در کار نبوده است^۷». (بحار الانوار)

۵. پرهیز از آزار

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آیا شما را از بدترین مردم آگاه سازم؟ گفتند: بله. حضرت فرمود: «بدترین مردم کسانی هستند که تنها به سفر می روند، هدیه را نمی پذیرند و زیردستان خود را آزار می دهند». (المحاسن)

۶. همکاری با زیردستان

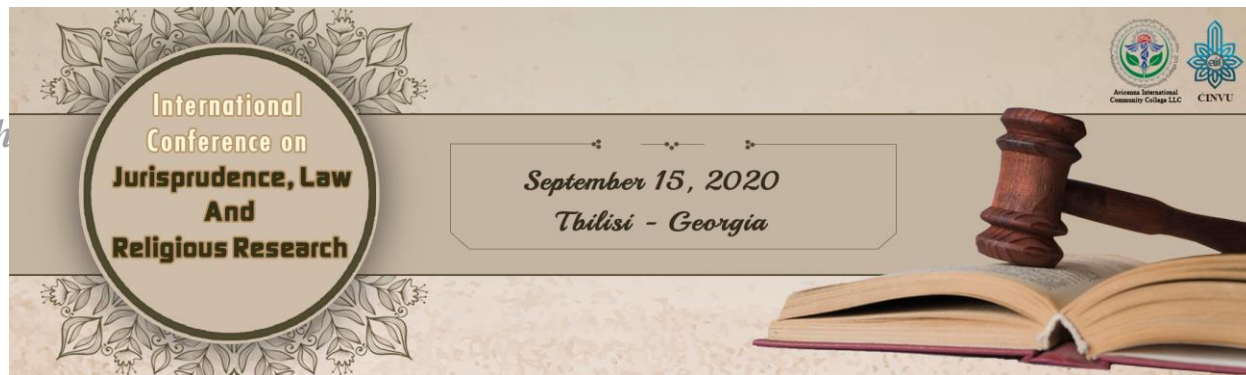
درباره رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که آن حضرت، کفش خود را پینه می زد، لباسش را می دوخت، در خانه را باز می کرد، شیر گوسفندان را می دوشید، شتر را می بست و می دوشید و هرگاه خدمتکارش از کار خسته می شد، به کمکش می شتافت و اگر خدمتکارش گندم و جو آسیاب می کرد، با او همکاری می نمود. (سنن النبی)

۷. توجه به نیاز زیردستان

امام سجاد (علیه السلام) خدمتکاران خود را جمع می کرد و به آنها می گفت: «هر که خواسته ای دارد، بگوید تا به خواسته او عمل کنم. وی هر ماه خدمتکاران را دعوت می کرد و به آنان می فرمود: هر که علاقه به ازدواج دارد، زمینه ازدواجش را فراهم می کنم یا می خواهد فروخته شود، می فروشم و یا خواهان آزادی است، آزادش می کنم. اگر غلامان و کنیزان جواب منفی می دادند، حضرت سه بار می فرمود: خدایا شاهد باش^۸». (سفینه البحار و مکارم اخلاق علی ابن الحسین)

۸. تقسیم کار

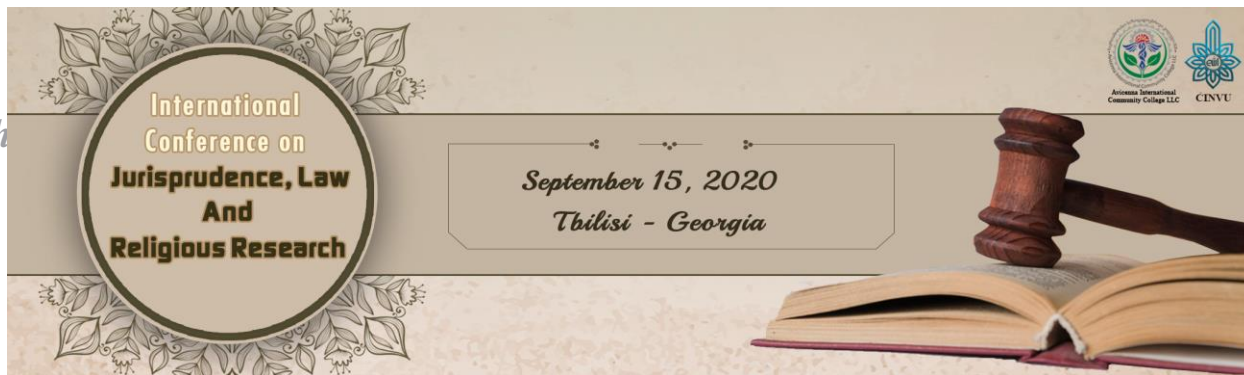
^۶ یا فُلَانُ! وَاللَّهِ مَا ذَلِكَ تَنَامُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ؛ لَكَ اللَّيْلُ وَ لَنَا مِنْكَ النَّهَارُ
^۷ اِنَّتَ حُرٌّ فَانْكَ لَمْ تَعْتَمِدْهُ



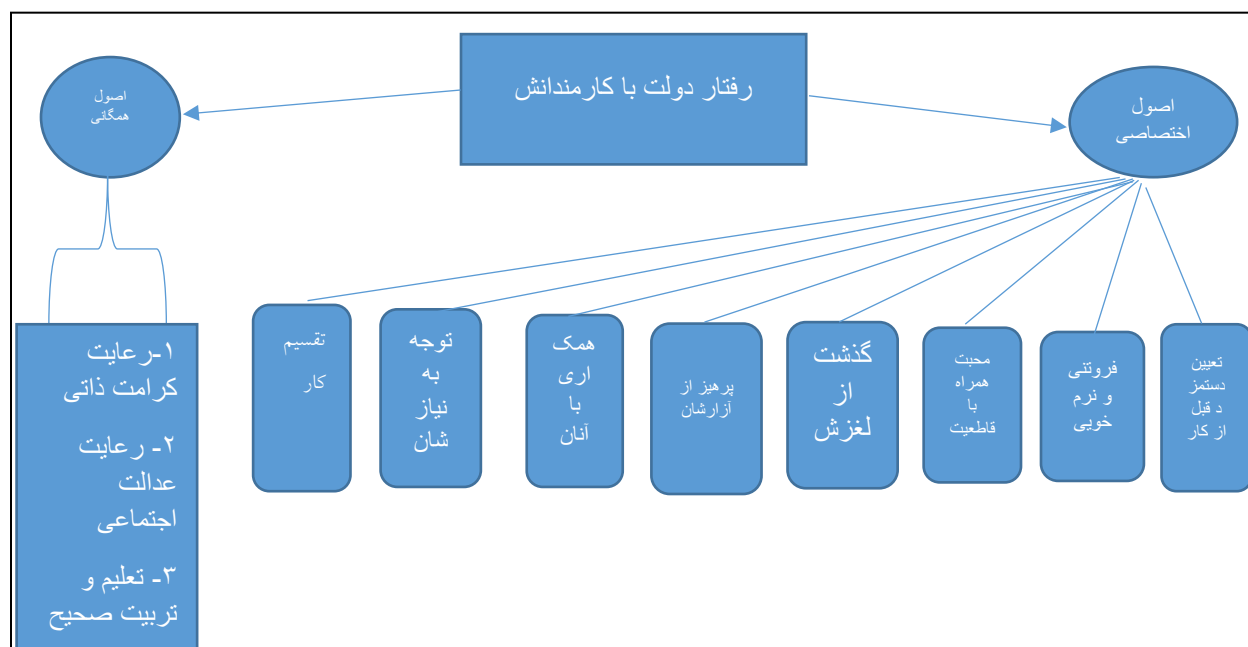
امام علی(ع) در نامه خود به امام حسن مجتبی(ع) درباره نحوه رفتار با خدمت کاران فرموده است: «کار هر یک از خدمت گزارانت را معین کن که او را در برابر آن، مسئول بدانی، زیرا این روش، سبب می شود کارها را به یکدیگر وانگذارند و سستی نورزند.» (نهج البلاغه)

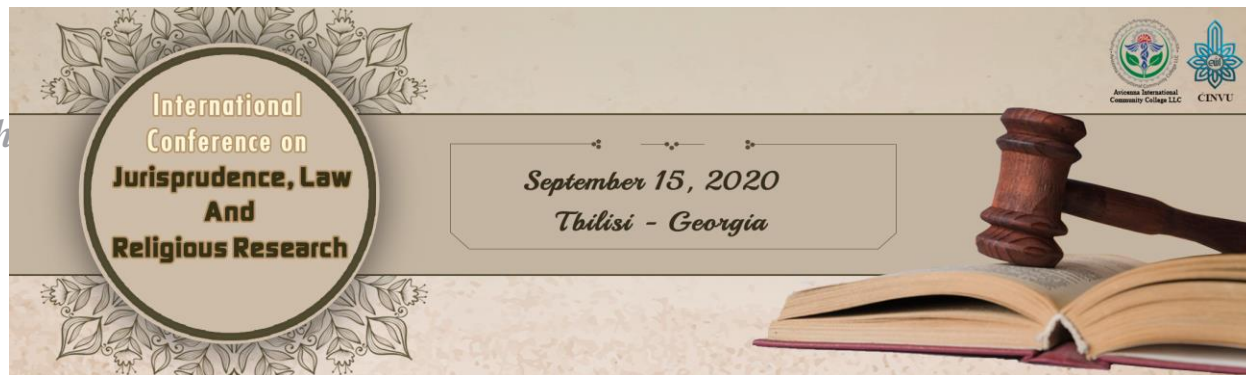
اکنون که اصول و راه های دخالت دولت در اقتصاد را در نظام حکمرانی اسلامی را استنباط نمودیم لازم است تا به یک سؤال مهم نیز پاسخ دهیم: اگر چند اصل از اصول فوق باهم تزاخم پیدا کرد، کدام یک بر دیگری ارجحیت و اولویت دارد؟ آنچه مشخص است این است که در مورد اجتماع و حکومت اسلامی هم تزاخم هایی ممکن است پدید بیاید چون جهان طبیعت محکوم تزاخم است در این صورت قاعده این است که تشخیص تزاخم و تشخیص اهم و مهم یا ضروری و غیر ضروری باید به دست ولی باشد. (آیت الله جوادی آملی) اگر بگوییم در جایی که جنبه اجتماعی کلان وجود دارد هر کسی می تواند تزاخمت را تشخیص دهد، این درست نیست و این یکی از جاهایی است که جنبه ولایی دارد و تشخیص آن باید دست شخص معینی باشد و الا اختلال نظام به وجود می آید که خود یک قاعده است و لذا در تزاخمت تکالیف اجتماعی و سیاسی و کلان، این به عهده اشخاص به طور مجزا قرار نگرفته است چون این موجب اختلال نظام می شود، بلکه به دست ولی و حاکم سپرده می شود و محوری می خواهد که همان محوریت ولایت است و یکی از ابعاد ولایت فقیه و ... همین بحث اهم و مهم است. (استاد علیرضا اعرافی ۹۰/۱۲/۰۲) مطلب دیگری که در ذیل این بحث ها باید به آن توجه کرد و فراتر از قانون اهم و مهم است، رعایت مصالح است. ممکن است واقعاً تزاخم به آن معنا پیدا نشده است ولی حاکم مصالحی را می بیند که بر اساس آن می گوید مناسب نیست الان چنین اقدامی انجام دهیم ولو تزاخم هم نیست. این هم یک محدوده است که مبتنی بر بحث ولایت مطلقه است. (استاد علیرضا اعرافی ۹۰/۱۲/۰۲)

جمعیندی:



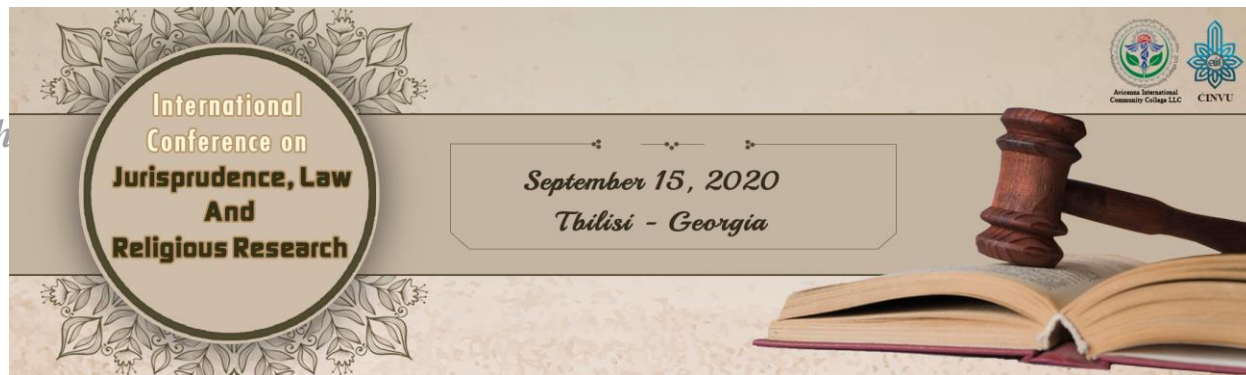
آنچه مشخص است این است که نظام حکمرانی دارای شئون و وظایف مختلفی است که برای نگاه نظام وار به آن باید همه وظائف و شئون را در نظر بگیریم. این مقاله با تاکید بر وظیفه دولت در رفتار با کارمندان و کارگزاران خویش به نظام حکمرانی اسلامی نگاه کرده است. که در زیر خلاصه آن آمده است. آنچه مهم است این است که در کنار پرداختن به این اصول، در صورت بروز تراحم میان آنها چه رفتاری باید گردد که بر طبق این مقاله اینگونه تراحمات به اهم و مهم ولی فقیه باز می گردد.





منابع:

- [۱] دادگر، یدالله (۱۳۸۰). مروری بر ادبیات جایگاه دولت در اقتصاد، فرهنگ اندیشه سال اول تابستان ۱۳۸۰ شماره ۲
- [۲] منذر قحف (۱۳۸۴). دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، مترجم: حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی سال پنجم ۱۳۸۴ شماره ۱۸
- [۳] نهج البلاغه
- [۴] صدیق سروسستانی، رحمت اله؛ ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر؛ (۱۳۸۴). بازگشت به دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی، نامه علوم اجتماعی: بهار ۱۳۸۴، دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۲۵)؛ از صفحه ۱۴۱ تا صفحه ۱۶۵
- [۵] فاطمی ابهری، مرضیه (۱۳۸۲). بررسی انواع دولت ها و نقش آنها در توسعه، نمایه پژوهش بهار و تابستان ۱۳۸۲ - شماره ۲۶ - ۲۵ (۴۲ صفحه - از ۲۸۳ تا ۳۲۴)
- [۶] لاژوژی، ژوزف، نظام های اقتصادی، ج ۱، ص ۱، ترجمه شجاع الدین ضیائیان، تهران، دانشگاه تهران
- [۷] نمازی، حسین (۱۳۷۴). نظام های اقتصادی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- [۸] عظیمی شوشتری، عباس علی (۱۳۸۸). اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام، معرفت سیاسی بهار و تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۱ (30 ISC) صفحه - از ۹۹ تا ۱۲۸
- [۹] یوسفی شیخ رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه (۱۳۹۴). طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی نویسندگان: منبع: اقتصاد اسلامی سال پانزدهم بهار ۱۳۹۴ شماره ۵۷
- [۱۰] مالک، محمد رضا (۱۳۸۲). وظایف و مسؤولیت های دولت اسلامی در اقتصاد، اقتصاد اسلامی زمستان ۱۳۸۲ - شماره ۱۲ (32 ISC) صفحه - از ۳۷ تا ۶۸
- [۱۱] جهانیان، ناصر (۱۳۸۲). جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی سال سوم ۱۳۸۲ شماره ۱۰
- [۱۲] موسویان، سید عباس (۱۳۸۲). جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام، منبع: اقتصاد اسلامی سال سوم ۱۳۸۲ شماره ۱۰
- [۱۳] رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۸۶). جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام (دولت مصالح)، اقتصاد اسلامی سال هفتم زمستان ۱۳۸۶ شماره ۲۸
- [۱۴] لشکری، محمد؛ بافنده ایمان دوست، صادق (۱۳۹۰). نقش دولت اسلامی در توسعه اقتصادی؛ مطالعات اقتصاد اسلامی بهار و تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۶ (16 ISC) صفحه - از ۱۲۵ تا ۱۴۰
- [۱۵] جهانیان، ناصر (۱۳۸۸). پیشرفت عادلانه و وظایف دولت دینی، اقتصاد اسلامی سال نهم پاییز ۱۳۸۸ شماره ۳۵



- [۱۶] ندری ، کامران؛ قلیچ؛ وهاب(۱۳۸۸). نقش حاکمیتی دولت اسلامی در بهبود توزیع درآمد نویسندگان: منبع: اقتصاد اسلامی سال نهم پاییز ۱۳۸۸ شماره ۳۵
- [۱۷] مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، ج ۱
- [۱۸] فلسفه و اهداف حکومت اسلامی ، عبدالله جوادی آملیمنبع: مجله الکترونیکی اسراء ۱۳۸۷ شماره ۲
- [۱۹] بحار الانوار ج ۴۹
- [۲۰] عیون الحکم
- [۲۱] مستدرک الوسائل، ج ۱۵
- [۲۲] اصول کافی ج ۲
- [۲۳] المحاسن
- [۲۴] سنن النبی
- [۲۵] سفینه البحار ج ۲
- [۲۶] مکارم اخلاق علی ابن الحسین
- [۲۷] آیت الله جوادی آملی
- [۲۸] استاد علیرضا اعرافی ۰۲/۱۲/۹۰